

تأثیر مدرنیسم بر توسعه فضایی - کالبدی شهرهای ایرانی - اسلامی (نمونه تهران)

احمد پورا احمد^۱، امین فرجی ملایی^{۲*}، ایوب منوچهری^۳، آزاده عظیمی^۴

^۱ استاد دانشکده جغرافیا دانشگاه تهران

^۲ پژوهشگر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی

^۳ دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری

^۴ مدرس دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهرری

تاریخ پذیرش: ۹۰/۱۱/۲۳

تاریخ دریافت: ۹۰/۸/۱۷

چکیده

ورود اندیشه‌های ناشناخته در قالب مدرنیسم در فرهنگ و ادب ایرانی علاوه بر نمود ذهنی، نمود عینی خود را در کالبد شهرهای ایرانی با معماری و شهرسازی ایرانی-اسلامی وارد نمود و شکل جدیدی از شهر را بر جای نهاد که از آن می‌توان به عنوان شهر مدرنیستی جهان سومی یاد کرد. شهر تهران، در کشور ما به عنوان پیشگام متأثر از این تأثیرات بود. از همین رو، در این مقاله سعی شده است روند شکل‌گیری و تحولات فضایی-کالبدی شهرهای ایرانی-اسلامی با تأکید بر شهر تهران و چگونگی سازمان‌دهی و تحت‌تأثیر قرار گرفتن عناصر شهری از عوامل مختلف بویژه مدرنیسم مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد. برای این منظور، با استفاده از به روش توصیفی-تحلیلی چگونگی شکل‌گیری و پیدایش شهر تهران و تأثیر عوامل مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی قبل از مدرنیسم و بعد از مدرنیسم بررسی شده است. این مقاله از نظر هدف مطالعه از انواع توسعه‌ای است و برای گردآوری داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز از تکنیک کتابخانه‌ای و روش مصاحبه به عنوان روشی کیفی استفاده شده است. بر اساس بررسی‌های صورت گرفته می‌توان گفت تهران در ۲۰۰ سال گذشته از آن جایی که نقطه اصلی دگرگونی مفاهیم و اشاعه مفاهیم جدید-چه خوب و چه بد-بوده و به عنوان شاهدی بر تجدیدطلبی بوده است، لذا چهره‌ای روشن از تفکرات فضایی-کالبدی دوران مدرنیسم را عرضه می‌دارد.

واژگان کلیدی: مدرنیسم، توسعه فضایی-کالبدی، شهرهای ایرانی-اسلامی، تهران.

مدرنیسم، از تبار لاتین Modernus است (حبیبی و جابری، ۱۳۸۶: ۶۸) و یکی از معانی لغوی آن، نوگرایی و توجه به پدیده‌ها و روش‌های نوین است، لکن در زمینه‌های هنری و ادبی و از جمله معماری و شهرسازی می‌توان آن را وجهی خاص از تجددطلبی تلقی نمود که گذشته را نفی می‌کند و به مبانی معنوی و روحانی اعتقادی ندارد (نقی‌زاده، ۱۳۷۸: ۷۹). لفظ مدرن بر اساس تبارشناسی واژگان، واژه‌ای جدید نیست. مکتب مدرنیسم از نافذترین جریان معماری و شهرسازی غربی است که از ابتدای عصر پهلوی تا کنون در معماری ایران رواج داشته است. گفت‌وگو از مدرنیسم در شهرسازی به دو دلیل عمده مبرم و اجتناب‌ناپذیر شده است. نخست این که دوران مدرن، فرهنگ جهان شمولی را با خود به همراه آورده است و از آن گریزی نیست. تشابه فرم شهرها در نقاط مختلف جهان و به اعتباری تولد شهر عام و تحلیل شهر خاص، شاهد این مدعاست. به همین دلیل توجه و اعمال نظر در مفهوم مدرنیسم و تأثیر آن بر شهرسازی به مفهوم عام در راستای استخراج روایت وطنی (ایرانی) آن به منظور اجتناب از برخورد ایدئولوژیک با سازمان فضایی و کالبدی است. دلیل دوم تبیین اجتماعی-اقتصادی دوره مدرن ایرانی و تبلور سازمان فضایی آن یعنی شهر است. در تفکر مدرن از بین رفتن هاله تقدس یعنی از بین رفتن نماد نخستین تعلق مذهبی است. تعلق خاطر، در این منظر، اساس حیات مذهبی قلمداد می‌شود و در طول زمان باعث شده است تا هاله‌ای قدسی پیرامون بخشی از مسائل مربوط به زندگی انسان را فرا گیرد. این هاله، ترکیبی از امید و خوف مقدس را در خود به همراه دارد. مدرنیسم این هاله را در هم شکسته و در جهان مدرن، دیگر هیچ کس و هیچ چیز مقدس نیست؛ تقدس جایی در زندگی جدید ندارد (حبیبی، ۱۳۸۶: ۶۹).

امروزه بسیاری از شهرهای کشور درگیر مسائل و مشکلات متعدّد در حوزه برنامه‌ریزی و طراحی شهری هستند که تا حدّ بسیاری متأثر از الگوهای شهرسازی غربی است. آن چه از آن در منابع به عنوان هویت کالبدی و بافت و ساخت شهری در عصر حاضر یاد می‌شود، در واقع نوعی بی‌هویتی کالبدی و بحران هویت در محیط کالبدی شهر ایرانی است که اکنون، فاقد نامی برازنده آن است. شهر ایرانی-اسلامی به عنوان کالبد زاییده از تفکرات شهرسازی ایرانی و اسلامی با گذر زمان و ظهور عصر مدرن شهرسازی بدون کمترین تلاش برای رام کردن شهرسازی مدرن در جهت تداوم شهرسازی اصیل خود درگیر در نوعی گریز از این همانی کالبدی شده است که شهروند و شهر، ساز ناسازگاری با یکدیگر را می‌زنند.

شهر تهران به عنوان مرکز تحولات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی ایران در دوران معاصر است و می‌توان آن را بستر اصلی بروز مدرنیسم دانست. آن چه که در وحله نخست ذهن هر پژوهشگری را به خود متمرکز می‌سازد، این پرسش است که روند این تحولات در شهر تهران چگونه بوده است؟ چگونه تحولات فکری در تغییرات کالبدی شهر تهران مؤثر بوده است؟ و بسیاری از پرسش‌های دیگر که در این مقاله سعی بر این است به بخشی از آن پاسخ داده شود.

تغییرات فضایی-کالبدی شهر تهران را می‌توان به دو دسته تغییرات کالبدی که در واقع دگرگونی فرم کالبد و یا همان بافت

شهری و تحولات منظر را در بر می‌گیرد و دسته دیگر تحولات فضایی که بیانگر روند رشد فیزیکی شهر و بیانگر ساختار شهر است؛ تقسیم نمود. در این مقاله به هر دو مورد پرداخته می‌شود.

۱. روش تحقیق

از آن جایی که مقاله دارای رویکرد تاریخی و تحلیل روند دگرگونی در بستر کالبد تاریخی است، لذا نگاهی اکتشافی به مسأله دارد. لذا از روش توصیفی-تحلیلی در قالب مطالعات اسنادی استفاده شده و گزیده‌ای از آثار مرتبط با موضوع مورد مطالعه موشکافانه قرار گرفته و نتایج به دست آمده تحلیل شده است.

این مقاله از نظر هدف، بنیادی است. تحقیق بنیادی، کاوشی اصیل و بدیع به منظور افزایش اندوخته‌های علمی و درک بهتر پدیده‌های طبیعی، انسانی، اجتماعی و فرهنگی است. هدف مقاله کشف رابطه بین شکل فیزیکی شهر تهران و تفکر مدرنیسم است.

مراحل تحقیق در دو بخش اصلی قابل ذکر است: بخش اول به تحلیل کلی شهرهای ایرانی-اسلامی می‌پردازد. بخش دوم، موضوع بحث را در مورد نظر بررسی می‌کند. لذا می‌توان بخش‌های کلی تحقیق را در قالب زیر بیان نمود:

- توسعه فضایی - کالبدی شهرهای ایران - اسلامی قبل از مدرنیسم،

- شهرهای ایرانی - اسلامی بعد از مدرنیسم،

- پیدایش شهر تهران و توسعه آن قبل از مدرنیسم،

- تهران و تأثیر مدرنیسم در زمان پهلوی اول،

- توسعه فضایی-کالبدی شهر تهران بعد از پهلوی دوم.

تأثیر مدرنیسم بر شهرسازی و پیدایش شهر مدرن

جهان پس از قرون وسطا در غرب، همزمان با پیدایش رنسانس جهان بورژوازی است (اقوامی مقدم، ۱۳۷۸: ۵۱). با اختراع ماشین مفهوم شتاب و سرعت و متعاقب آن زمان متحول شد و تنوع عملکردهای جدید شهری که در انواع کاربری‌ها متبلور می‌شد، سازمان فضایی دنیای نو، یعنی شهر مدرن را خلق کرد (پیشین، ۱۳۷۸: ۱۹۲). پس از شکل‌گیری مبانی مدرن در تفکر بشر، این شهر بوده است که به مثابه جلوه‌گاه مدرنیته با دستورالعمل پنهان مدرنیته بروز و ظهور یافته است (Taulmin, ۱۹۹۰: ۵۶). از دید گروهی از معماران و برنامه‌ریزان شهری پیشیناز به نام CIAM (کنگره بین المللی معماری مدرن)، برنامه‌ریزی شهری «سازمان‌دهی کارکردهای زندگی جمعی» بود و شهر چهار کارکرد اصلی داشت: سکونت، کار، تفریح و حمل و نقل که ارتباط‌دهنده سایرین است (مدنی پور، ۱۳۸۴: ۲۸۰).

می‌توان گفت شهر مدرن به پرستشگاه خدایگان ماشینی بدل شده است. پرستش ماشین، ارزش‌های کهن و روابط ظریف از نوع آن چه بین آدمی و هنر بر قرار می‌گردد را در هم شکسته است (بار احمدی، ۱۳۷۸: ۲۶). روند پر شتاب شهرسازی مدرن در طول قریب به دو بیست سال، گونه‌های متنوعی از نوپردازی‌های شهری (مدرنیزاسیون شهری) را تجربه کرده است. تأمل در ماهیت این تجربه‌ها گواه بر حضور ملموس ویژگی‌های ثابت در آنهاست (حبیبی و جابری، ۱۳۸۶: ۶۶).

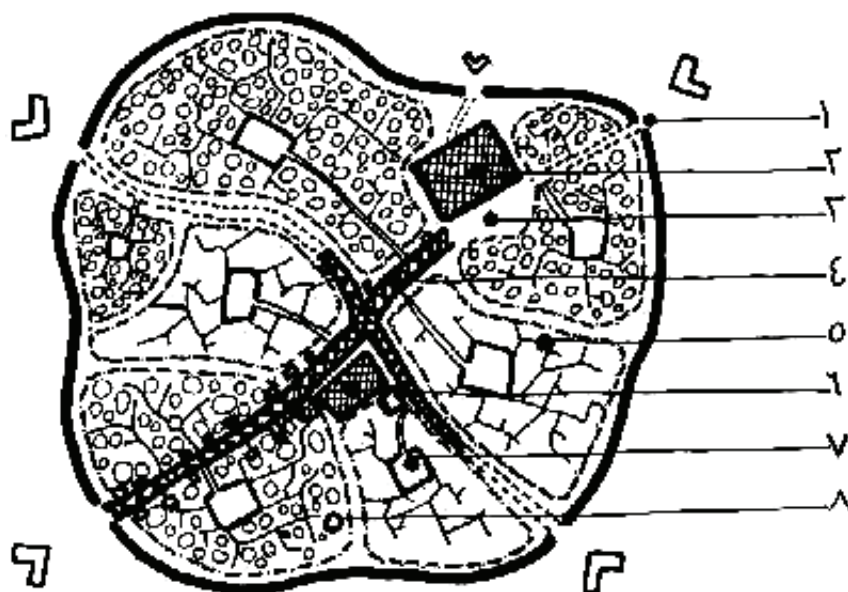
| ویژگی‌های مدرنیته | اثرات آن بر شهر |
|---------------------------------|--|
| علم | - تولد رشته شهرسازی به عنوان یک گرایش علمی، - باز شدن زمینه مطالعات شهری، - موضوعیت یافتن شهر به عنوان مسأله علم، - نگرش تجربی و مالکیت روش‌های علمی در بحث شهر، - شناخت کامل از انسان و عملکردهای او و طراحی شهر برای پاسخ‌گویی به نیازهای انسان. |
| تکنولوژی و تحولات شگرف صنعتی | - تغییر شکل کالبدی شهر که با تکنولوژی هم‌نواپی داشته باشد، چه به صورت تغییرات شدید در بافت‌های کهن و چه بافت‌های جدید شهری؛ یکسان‌سازی شهر در سراسر جهان به صورت نسخه‌های قابل تولید، - سرعت در ساخت و ساز شهری، - تعریف کاربری‌های جدید از قبیل صنایع، ایستگاه‌های راه آهن و مترو، - با پیشرفت تکنولوژی تغییر در تعاریف از فضاها و کاربری‌های مختلف و حتی تولید فضای جدید (فضاهای غیر مملوس و مجازی)، - تولید انواع جدید شهر (شهر عمودی- شهر گسترده- شهر مجازی و ...)، - تولید مدهای زود گذر در ساخت و سازهای شهری و روزمرگی سبک‌های معماری و شهرسازی. |
| خدازدایی | - شهر تصویر آسمان به زمین نخواهد بود، - مرکزیت شهر از کلیسا در مرحله اول به مراکز اقتصادی-مالی و بازرگانی و تجاری و در مرحله دوم به سایر فضاهای شهری؛ مانند: میادین و خیابان‌ها، گذرها تغییر می‌یابد. - رعایت مقیاس انسانی در فضاها، - تغییر مبانی و معیارهای رفتارهای شخصی و آداب اجتماعی در شهر از قواعد مذهبی به قوانین عرفی و حقوقی شهری، - تبدیل شدن شهرهای مقدس از مفهوم زیارت به گردشگری. |
| شتاب و تحولات و دگرگونی | - ظهور و افول سریع و کوتاه مدت نخله‌های مختلف شهرسازی، - عدم دوام و بقای شکل و محتوای شهرها برای مدت قابل توجه از زمان. |
| پهنه دگرگونی | - جهانی شدن تمامی مسائل مربوط به شهر. |
| ماهیت ذاتی نهادهای مدرن | - به فراموشی سپردن هر آنچه مربوط به گذشته است و حتی تخریب وسیع آن‌ها، - بروز و ظهور شکل جدیدی از شهر که تا پیش از این امکان وجود نداشت. شهرنشینی مدرن که اصولی کاملاً متفاوت نسبت به دوران پیش از مدرن دارد. |
| سرمایه‌داری و چرخه بی‌آرام آن | - آن چه به شهر وابستگی دارد در این چرخه وارد می‌شود؛ زمین، مسکن، تراکم و... عامل سرمایه‌گذاری، تجارت و دریافت سود بیشتر می‌شود. - اقتصاد شهری به صورت شاخص‌های مؤثر وارد بحث‌های شهری می‌گردد. - در بیش‌تر موارد، سرمایه‌داری به نحای مختلف در سیر تحول شهر مدرن وارد عرصه شهر شده و مهر خود را به پیشانی آن زده است. - تبدیل شهر به "شهر سرمایه"، به "شهر- ابزار"، به "شهر- شیء"، به "شهر نمایش" و به "شهر تصنع" |
| نقد و بازاندیشی | - بازبینی و بازگشت در کلیه طرح‌های شهری، - تولد نخله‌های جدید حرفه‌ای و اندیشه‌ای و روابط با شهر و شهرسازی که در نقد جریان قبلی متولد شده است. |
| تصور فعالیت بشری به عنوان فرهنگ | - تولید فرهنگ‌های شهری در تقابل با فرهنگ‌های روستایی، - تولید خرده فرهنگ‌های شهری (بالا شهری/پایین شهری و ...). |

(جابری مقدم، ۱۳۸۴: ۵۶)

شهر با شرایط و عوامل مزبور و از سوی دیگر گویای چگونگی جریان فعالیت‌های اصلی شهر است (سلطان‌زاده، ۱۳۶۵: ۲۹۰). شهرسازی قبل از ۱۳۰۰ در ایران حاوی نشانه‌هایی بود که گویای نمونه‌های ویژه شهر سنتی خاورمیانه به شمار می‌رفت (پوراحمد، ۱۳۸۴: ۳۰). معماری رایج و شهرسازی وابسته به آن تابعی بود از انواع مصالح ساختمانی، دانش فنی و اعتقادات و باورهای دینی، و در مناطق مختلف متناسب با آن چه طبیعت از انواع مصالح ساختمانی مانند سنگ، چوب و گل در اختیار انسان می‌گذاشت از آن‌ها استفاده می‌کرد (ره‌نمایی، ۱۳۸۴: ۴۴). رعایت و تأکید بر انواع جدایی‌گزینی‌ها در ادوار مختلف از ویژگی‌های کلی شهرسازی بوده که در شکل‌گیری شهرها نقش داشته است (پیشین: ۳۹).

بر اساس آنچه گفته شد در واقع اهداف شهرسازی مدرنیستی را می‌توان در دو دسته جای داد: دسته نخست که در بخش قابل توجهی از ادبیات موضوع مورد نظر قرار گرفته است به طرح موضوع نو کردن بافت و کارکرد محور کردن محیط شهر پرداخته است. دسته دوم که در پس اهداف صوری مدرنیسم در شهرسازی مطرح است، ایجاد شهری مطابق با الگوی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی غربی است. در واقع شهری که غربی نشود مسلماً پذیرای محصولات تولید شده غرب نخواهد بود؛ به عبارتی، شهر بومی بستر رشد تفکرات سلطه‌جویانه غربی را فراهم نخواهد نمود.

توسعه فضایی - کالبدی شهرهای ایران - اسلامی قبل از مدرنیسم
ساخت هر شهر از یک سو نمایان‌گر هماهنگی فضایی کالبدی



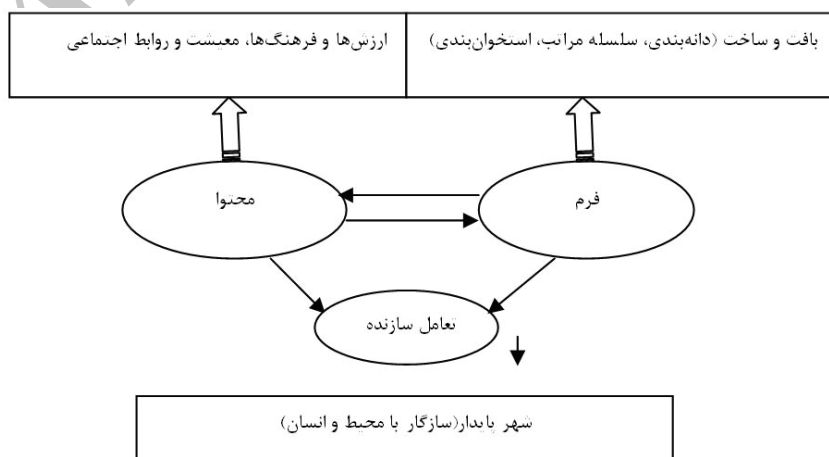
شکل شماره ۱: ساختارفضایی - کالبدی شهرهای ایرانی - اسلامی

خود، شهرسازان جدید را واداشته‌اند تا به روابط همسایگی، جمعیت و ویژگی‌های دیگر در برنامه‌ریزی‌های شهری امروزی توجه کنند و سعی کنند تا ویژگی‌های قبلی و حیات دیروزی محله‌ها را شامل شبکه‌های ارتباطی، سلسه مراتب حساب شده‌ای که تحت تأثیر عوامل دفاعی، اجتماعی، طبیعی، اقلیمی، فرهنگی و زیبایی در معماری شکل گرفته بودند، بازگردانند. در شهر ایرانی - اسلامی هر چه هست تبلوری است از محیط زیست، فرهنگ و آداب و سنن (مشهدی زاده، ۱۳۷۴: ۳۶).

آن چه در شهر ایرانی - اسلامی مطرح است رعایت کلیه اصول زندگی بومی است. در واقع شهر ایرانی - اسلامی شکل تبلور یافته فرهنگ محیط خود است. تطابق فرم و محتوا زمینه هم‌زیستی پایدار و رفاه شهروندی را در شهر ایرانی - اسلامی فراهم نموده و هویت نمود بارز آن است. شکل شماره ۲ بیانگر روابط ارگانیک فرم و محتوا در شهر ایرانی اسلامی است.

آن چنان که در شکل شماره ۱ نشان داده شده است ساختار فضایی در شهر ایرانی - اسلامی ترکیبی است از آن چه که در اصطلاح حیات و ممت گفته می‌شود. این عناصر عبارتند از: ۱- دروازه و بارو، ۲- ارگ، ۳- میدان، ۴- بازار، ۵- محله مسکونی، ۶- مسجد جامع، ۷- مرکز محله، ۸- واحدهای مسکونی (سلطان زاده، ۱۳۶۵: ۲۹۲) که در نوع خود گویای نوعی شهرسازی ملهم از اندیشه‌های اعتقادی و بومی است.

به طور کلی شهرهای دوره پس از ورود اسلام به ایران با اجزای سه گانه و مهم ارگ، مسجد جامع و بازار به همراه محله‌های مسکونی، کاروان‌سراها، شبکه معابر ارتباطی و سایر فضاها و عناصر شهری همه با نظم و دقتی حساب شده در بافت شهر جای گرفته و مجموعه‌های کاملی را پدید آورده بودند. بازارها دارای آن چنان اجزای حساب شده و نفوذی قوی در شهر و منطقه نفوذ شهرها بودند که امروزه نیز در پاره‌ای موارد به حیات خویش ادامه می‌دهند. محله‌های مسکونی با ویژگی‌های فرهنگی و کالبدی مخصوص به

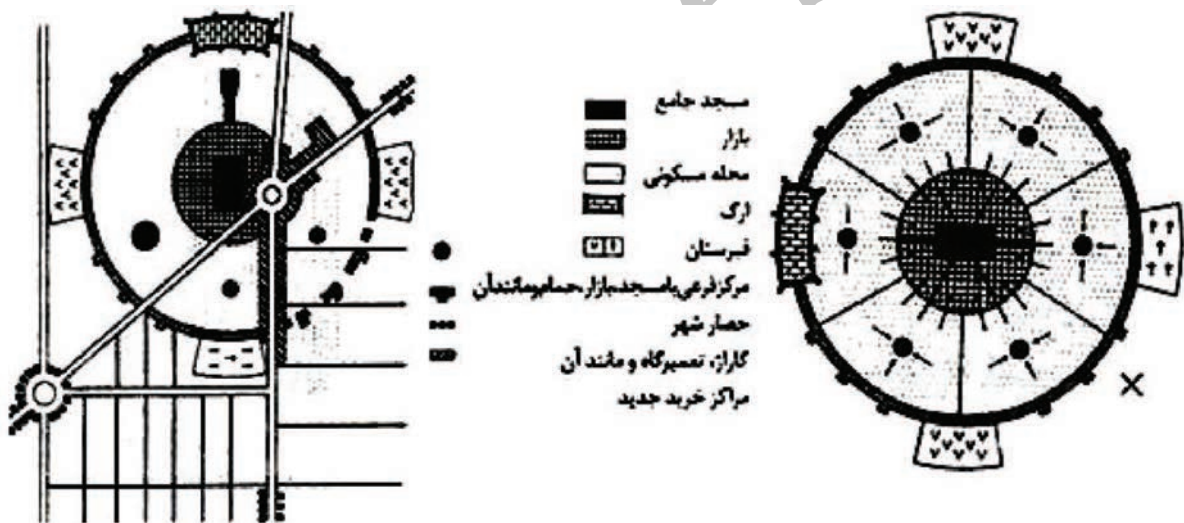


شکل شماره ۲: روابط ارگانیک و پایدار فرم و محتوا در شهر ایرانی - اسلامی

شهرهای ایرانی - اسلامی بعد از مدرنیسم

شروع تحولات در روند شهر و شهرسازی در ایران شاید بتوان از دوره مشروطیت دانست. البته پیش از آن در زمان قاجار و یا حتی صفویه، شاهد تأثیرپذیری‌ها و الگوبرداری‌هایی بودیم. اما آغاز دگرگونی‌های شدید و تأثیرپذیری از رشد سرمایه‌داری را می‌توان از اوایل حکومت پهلوی دانست (حسین اف و همکاران، ۱۳۸۳: ۶۵). به طوری که نشانه‌هایی از فرایند مدرنیزه شدن در ایران از دیدگاه‌های رادیکال در سال ۱۹۲۵ (۱۳۰۴) در سلسله پهلوی یافت می‌شود. البته نقش قاجار را در تسریع به سوی مدرنیسم نیاید نادیده گرفت (ferdowsian: ۲۰۰۲، ۴۶). در این دوره استقرار نهادهای اجتماعی نوین زمینه‌ساز استقرار نیروهایی است که معتقد به سلطه نوآوری (مدرنیسم) هستند (حبیبی واهری: ۴۲) که برای اولین بار در تاریخ شهرگرایی و شهرنشینی کشور، دولت بر آن می‌شود تا چهره و سازمان شهر را نه بر اساس تفکر و تحول درونی بلکه بر مبنای اندیشه و تغییری برونی دگرگون سازد (حبیبی، ۱۳۸۴: ۱۶۱). رسوخ ارزش‌ها، تکنیک‌ها، الگوها و قالب‌های نوآورانه در هنر و معماری مشخصه تحولات نوپردازانه این دوران است (حبیبی واهری، ۱۳۸۶: ۴۲).

سیاست دولت در زمینه مدرنیسم شهری به یکی از تعیین‌کننده‌ترین دگرگونی‌هایی منجر شد که ریخت و ظاهر شهرهای سنتی ایران را تحت تأثیر خود قرار داد. این اصول نوسازی شهری اغلب بدون توجه به الگوهای تاریخی و الهام‌گیری از طراحی‌های معماری سنتی و یا عنایت به ارزش‌های درون‌زای فرهنگی، طراحی و اعمال می‌شد (اهلرس، ۱۳۸۰: ۱۷۰). از دهه ۱۳۰۰ به بعد در شهرهای ایران تغییرات کالبدی چشم‌گیری رخ داد. همه این تغییرات در رابطه با ساخت اجتماعی و اقتصادی جامعه و قرار گرفتن ایران در سیستم سرمایه‌داری جهانی قابل بررسی است. خیابان‌های بسیاری بنابر خواست‌های بورژوازی در حال رشد، ایجاد شد. بدین ترتیب ساخت شهرها نیز دگرگون شد (حسین اف و همکاران، ۱۳۸۲: ۶۵). کانون‌های شهری مانند تهران، تبریز و اصفهان بر اثر رشد نامتعادل شهری از ۱۳۰۴ به بعد شاهد گسترش بی‌سابقه‌ای شدند. شریان‌های اصلی آمد و شد به عنوان محور احداث شبکه‌های منظم خیابانی با جهت شرقی-غربی و شمالی-جنوبی مطرح شدند که غالباً از وسط حوزه‌های مسکونی می‌گذشتند (اهلرس، ۱۳۸۰: ۱۸۴).



شکل شماره ۳: مدل شهر اسلامی سنتی شکل شماره ۴: مدل شهر اسلامی مدرن
مأخذ: اهلرس، ۱۳۸۰

ایرانی-اسلامی نهاد چیدمان آن را از هم گسست. در واقع، تعیین شهر به عنوان محور نفوذ تفکرات صنعتی غرب، با ورود خیابان نمود اولیه یافت و به مرور کارکردهای شهر دگرگون شد. افزایش توان اقتصادی در این دوره، امکان مداخله در شهر و اجرای طرح‌های عمرانی و شهری را با الگوهای نوآورانه فراهم کرد. گروه‌های بهره‌مند و نسبتاً مرفه از بخش‌های قدیمی شهر به محله‌های جدید و دل‌باز که از تسهیلات امروزی نیز برخوردار بودند، نقل مکان کردند. این روند در عین حال موجب اختلاط گروهی و منتفی شدن «جدایی‌گزینی» و محله‌های مجزا از نظر قومی گردید (اهلرس، ۱۳۸۰: ۱۹۰).

ورود مدرنیسم در شهرسازی اسلامی به طور کلی و شهرسازی

خیابان نه به عنوان عنصر مکمل سازمان و شالوده کهن بافت شهر بلکه به عنوان عنصر مسلط و تعیین‌کننده در شهر ظاهر می‌شود. ایجاد خیابان به عنوان نماد تجدّد اولین پژواک از شهرهای هوسمان‌گونه است که با نظریه پردازی‌های نوگرایان ۱۹۲۰ اروپا جنبه بین‌المللی یافت. در ایران نیز با تصویب «قانون تعریض و توسعه معابر و خیابان‌ها» در سال ۱۳۱۲ ه.ش پاسخی روشن به این گونه شهرسازی داده شد (حبیبی، ۱۳۸۴: ۱۶۳).

که خیابان با شکافتن عناصر اصلی در شهر ایرانی-اسلامی منجر به دگرگونی در ابعاد متنوعی از حیات و شکل این دست از شهرها گردید. با توجه به آن‌چه در شکل شماره ۴ نشان داده شده است، خیابان به عنوان محصول تفکر مدرنیستی پای در بافت سنتی شهر

ایرانی-اسلامی (با تأکید بر تهران) به طور خاص در دو حوزه ایدئولوژیک و تکنولوژیک صورت پذیرفت. با وجود مقاومت شرع اسلامی در پذیرش قوانین و الگوهای فکری جدیدی مانند مدرنیسم که با اصول اسلامی مغایرت دارد (مرتضی، ۱۳۸۹)، شهر تهران به علت نفوذ حکومت به عنوان محور تحوّل و نفوذ اندیشه مدرنیسم تحت تفکر مدرنیسم به عنوان الگوی برتر قرار گرفت. در مورد جنبه تکنولوژیک مدرنیسم در اسلام هیچ گونه منعی برای بهره‌برداری از تکنولوژی جدید وجود ندارد (پیشین). اما تحولات تکنولوژیک در شهر تهران نه بر مبنای اصول بومی و پایداری، بلکه بر مبنای تامین نیاز و تحقق اهداف مدرنیسم صورت پذیرفت. در واقع می‌توان گفت آن چه در شهر ایرانی-اسلامی نفوذ می‌کند و شکل آن را دگرگون می‌سازد، هویتی بیگانه و ناشناخته است که بدون شناخت در بافت خود به طور ناقص و ناتمام پیاده می‌سازد و منجر به اغتشاش در مورفولوژی، بافت و ساخت شهر ایرانی-اسلامی می‌گردد.

پیدایش شهر تهران و توسعه آن قبل از مدرنیسم

نام تهران برای اولین بار در یکی از نوشته‌های تئودوسیوس یونانی در حدود اواخر سده دوم پیش از میلاد به عنوان یکی از توابع راکس (ری) ذکر شده است (داودپور، ۱۳۸۴: ۸۳). زوال شهر ری، آغازی برای رشد اولیه آبادی‌های اقماری آن از جمله دیه تهران بود (بهزادفر، ۱۳۸۶: ۹۵) آن گونه که در اوایل سلطنت صفویه تهران از حالت روستایی بیرون آمده بود (تکمیل همایون، ۱۳۸۲: ۳۸).

آقا محمد خان قاجار پس از رسیدن به قدرت، تهران را به عنوان پایتخت کشور انتخاب کرد. نقش جدید شهر به عنوان پایتخت، شکل و سیمای شهر را تغییر داد و در زمان فتحعلی شاه، خندقی در اطراف شهر ایجاد شد و ساختمان‌ها، مساجد، تکایا، بازارچه و محله‌های جدید احداث و قصرهایی متعدد در اطراف شهر بنا

گردید. عناصر مصنوع استخوان‌بندی اصلی شهر در این دوران عبارت از ارگ یا محل عمارات حکومتی، بازار، مساجد جامع و شاه، مدرسه مروی، قصرها و باغ‌های حکام، اعیان اشراف شهر بوده‌اند (بهزادفر، ۱۳۸۶: ۹۷).

با آن که تهران در دوره قاجاریه پایتخت کشور بود، اما هیچ گاه عظمت، شکوه، تجهیزات و تأسیساتی را که شایسته پایتخت باشد، نداشت (سلطان زاده، ۱۳۶۵: ۱۴۵). دوره پنجاه ساله پادشاهی ناصرالدین شاه تا انقلاب مشروطه، دوره رشد سریع کالبدی شهر تهران است که علاوه بر احداث بارو، دروازه و خندق جدید در تهران، باغ‌ها و ساختمان‌های متعددی در شهر بنا شد. در این دوره، به علت رشد سریع پیکره شهر تهران و اشغال سطح درون بارو و قصرهای سلطنتی، کوشک‌های اعیانی، سفارتخانه‌ها و خانه‌ها در اختیار خارجیان در بیرون از حصار و خندق به شکل هشت ضلعی با دوازده دروازه احداث شد که تقلیدی از استحکامات پاریس بود و فضاهای جدید شهری (مدرسه، دارالفنون، تکیه دولت، خیابان جدید و میدان ...) مفاهیم تازه‌ای مطرح می‌کنند (حبیبی، ۱۳۷۴: ۱۳۰).

ساختار اصلی شهر در این مقطع دارای الگوی خطی در ترکیب با الگوی هسته‌ای است. دو هسته اصلی به صورت پیوسته در دو انتهای اصلی رشد کردند. هسته شمال شامل عناصر نظامی و حکومتی و تشریفاتی و هسته جنوبی شامل فضاهای تجاری و فرهنگی و مذهبی بود (بهزادفر، ۱۳۸۴: ۹۹).

اندک اندک بازار تهران شکل گرفت و راسته بازارها و تیمچه‌ها و کاروان‌سراهای متعدّد ایجاد شد (تکمیل همایون، ۱۳۷۸: ۹۸). شهر دارای پنج محله بزرگ بود که هر کدام گذرهای زیادی داشتند. قدیمی‌ترین منطقه شهر بین محله‌های عودلاجان، چاله میدان، و بازار در پیرامون «تکیه عودلاجان» جای گرفته بودند. محله ارگ و سنگلج که از زمان شاه طهماسب به وجود آمد به نسبت جدید است. مساحت تقریبی و موقع پنج محله اصلی عبارتند از:

جدول شماره ۲: مساحت تقریبی و موقع پنج محله اصلی شهر تهران

| نام محله | کیلو متر مربع |
|------------------------------------|---------------|
| محله سنگلج سراسر غرب شهر | ۱/۱۶ |
| محله عودلاجان از مرکز به شمال شرقی | ۱/۰۹ |
| محله بازار از مرکز به سمت جنوب | ۰/۹۳ |
| محله چاله میدان در جنوب | ۰/۸۶ |
| محله ارگ از مرکز به شمال | ۰/۳۵ |
| مساحت کل شهر | ۴/۴ |
| طول دیوارهای دور شهر | ۸۵۰۰ متر |

مأخذ: محمودیان، ۱۳۸۴: ۵۰

الگوی سامان‌دهی فضایی است نخست الگوی معماری سنتی که معماری عوام است. دوم، الگوی معماری تلفیقی که در آن معماری خواص مد نظر است، و در نهایت الگوی سوم، معماری فرنگی است که نمونه آن را می‌توان در قصر یاقوت مشاهده کرد (قبادیان، ۱۳۸۵).

به طور کلی شهر تهران در عصر قاجاریه ترکیبی از سنت و مدرنیته را تجربه کرد. ناصرالدین شاه علاوه بر ایجاد تغییرات کلی در شهر یعنی تغییر در نقشه شهر و ایجاد دارالخلافه ناصری، عناصری چون نگارخانه‌ها، آمفی تئاتر به سبک غربی، ایجاد دارالفنون و نیز احداث خیابان‌هایی مانند لاله زار (به عنوان محور فرهنگی) و باب همایون، را به شهر افزود. در این دوره، همزیستی سنت و مدرنیته در شهر تهران، مقدمه ظهور مدرنیته عصر پهلوی را فراهم ساخت. بر اساس آنچه که قبادیان (۱۳۸۵) مطرح می‌کند تحولات معماری در دوره ناصرالدین شاه به طور خاص و دوره قاجاریه به طور عام در حد تزئینات باقی ماند.

تهران و تأثیر مدرنیسم در دوره پهلوی اول

رضاخان با حمایت از طبقات مسلط جامعه شامل مالکان، تجار و سوداگران، مرحله گذار به سرمایه‌داری را پی‌ریزی کرد (نظریان، ۱۳۷۹: ۶۹). بدین ترتیب بازتاب فضایی دگرگونی‌های اجتماعی - اقتصادی در درجه اول منجر به تغییر در ترکیب عناصر شهری شد و محتوای شهرها به خصوص شهر تهران دچار دگرگونی گردید، ولی توسعه فضایی شهر به علت محدودیت در مهاجرت به تأخیر افتاد (پیشین: ۶۷). تهران مانند بسیاری از شهرهای دیگر کشور دارای بافتی پیوسته و محصور بود. شبکه ارتباطات در بافت‌های پیوسته به سبب شکل‌گیری تدریجی، همسویی با عوامل اقلیمی و جغرافیایی، مسائل امنیتی و دفاعی و سایر عوامل دارای شکل ارگانیک، غیر هندسی و در مواردی کما بیش مارپیچ بود (سلطان زاده، ۱۳۷۳: ۱۶).

پوپس شهرنشینی و گسترش شهر تهران عمدتاً از سال ۱۳۰۸ ه.ش در پی یک رشته اقدامات بنیادی در زمینه زیرساخت نظام نوین شروع شد. «نخست بر مبنای نقشه‌ای که از سوی شهرداری آن روز تهیه شده بود، یک کیلومتر (از چهار جهت) به وسعت شهر افزوده شد. وای این محدوده جزء حومه شهر اعلام شد» (اقوامی مقدم، ۱۳۷۸). تهران تا اوایل دوره پهلوی، همان تهران عصر ناصری است (رجبی، ۱۳۶۵: ۱۴). ولی بعد از آن، پنج ناحیه دیگر به محله‌های قدیمی افزوده شد که همه آن‌ها خارج از شار ناصری قرار داشتند. این پنج ناحیه عبارتند از: «دروازه شمیران، عسرت آباد، تخت طاووس، دروازه قزوین، نیروی هوایی» (سعیدنیا، ۱۳۷۰: ۲۳۴). محله‌های تهران پس از درهم‌ریزی وظایف تاریخی - مردمی، نقش اجتماعی گذشته خود را به گونه واحدهای یک مجموعه فعال و پویا (=شهر) از دست دادند (تکمیل همایون، ۱۳۸۲: ۷۱).

تهران از این به بعد مظهر تحولات دوران مدرن در ایران است

در آغاز که محیط شهر تهران در حدود ۳ کیلومتر بود بر اساس نقشه دارالخلافه ناصری به ۱۹ کیلومتر رسید و ناصرالدین شاه در ایجاد شهری به سان پاریس، که پس از بازگشت از فرنگستان در دل داشت، برآمد (تکمیل همایون، ۱۳۸۲: ۵۸). حضور عملکردهای جدیدی چون تماشاخانه، سینما، چاپخانه، هتل و مغازه‌هایی به سبک فرنگی، باغ ملی، باغ وحش و گیاه، بانک و قورخانه و... به یک‌باره چهره شهر کهن را دگرگون کرد و مفهوم شهر را در معنای اروپایی و جهانی جایگزین آن ساخت.

تهران دوره قاجار هم‌چنان ویژگی‌های شهرهای اسلامی - ایرانی را داشت و عناصر اصلی شهر شامل ارگ، مساجد، مدارس، بازار، میدان و محله بود (حبیبی، ۱۳۸۵: ۱۳۲). محله به عنوان عنصر اصلی سازمان شهری به عنوان مکانی برای تبلور تمایزات اجتماعی نقش بازی می‌کرد (حبیبی، ۱۳۸۵: ۱۳۴).

خیابان در مفهوم جدید خود از دو الگو تبعیت می‌کند: الگوی نخست، چهره و سازمان فضایی خویش را از خیابان مکتب اصفهان می‌گیرد و الگوی دوم خیابان‌هایی هستند که دارای بدنه‌های ساخته شده در طرفین رو به خیابان هستند و سازمان کالبدی - فضایی ممتدی را تشکیل می‌دهند. بی تردید سبک تهران (دوره قاجار) گرچه زبان و بیانی در حد کمال دوران کهن و به خصوص مکتب اصفهان ندارد و علی‌رغم آن که زمانه نیز مشوق برداشت‌های التقاطی از تفکرات برون دیگر فرهنگ‌ها است، می‌توان آن را در تداوم و اعتدالی مکتب اصفهان دانست (پیشین: ۱۳۵ - ۱۴۵). مدرن شدن ایران از منظر زندگی شهری بی‌تردید در عصر پهلوی رقم می‌خورد (حبیبی و اهری، ۱۳۸۶: ۴۴).

در واقع، شهر تهران در آن دوره به عنوان شهری سنتی دارای کارکردهای سیاسی در ارگ و تجاری در بازار بود و کارکرد مذهبی در تعامل با بازار و ارگ قرار داشت. فضاهای عمومی شهر همچنان در محدوده سبزه میدان و بازار و سایر عناصر مانند مسجد، تکیه‌ها، مدرسه‌ها و... بود و بازار به عنوان قلب فرهنگی شهر عمل کرد. تناسب فرم و محتوا در شهر سنتی تهران را می‌توان در شکل‌دهی فعالیت‌های فرهنگی به فضاهای شهری مشاهده نمود. چنان‌که فعالیت‌های فرهنگی چون شاهنامه‌خوانی و یا نقالی‌ها نمود عینی خود را در سطح شهر سنتی در قهوه‌خانه‌ها می‌یافتند.

در دوره قاجاریه می‌توان به سه عصر معماری اشاره نمود که زمینه تحولات فضایی شهر تهران را فراهم کردند، عصر نخست محدود به سال‌های ۱۲۶۸ - ۱۲۰۰ می‌شود که الگوی سامان‌دهی فضایی کالبد شهر برگرفته از معماری سنتی اصفهان است. عصر دوم (۱۳۰۳ - ۱۲۶۸ ه.ق) دو نوع از الگوی معماری سنتی (شیوه اصفهانی) و معماری تلفیقی (شیوه تهرانی) را به نمایش می‌گذارد و بیانگر قطبی شدن فضایی - کالبدی شهر با معماری عوام (شیوه اصفهانی) و خواص (شیوه تهرانی) است. در این دوره الگوی تلفیقی سامان‌دهی فضایی معماری تهرانی، در واقع الگویی ملهم از معماری نئوکلاسیک غرب با معماری سنتی ایران است. در دوره سوم که مربوط به بازه زمانی ۱۳۴۳ - ۱۳۰۳ ه.ق است خود دارای ۳ نوع از

و حداقل دخالت‌های نوگرایانه را به‌طور تمام و کمال در خود جای داده است (اقوامی مقدم، ۱۳۷۸: ۲۰۸). تمامی عناصری که طی دوره‌های کم‌تر از دو دهه در تهران ظهور کردند، تقریباً در سازمان شهری ما بی‌سابقه بودند این عناصر که همگی و بلا استثنا در عرصه کاربری‌های عمومی قرار می‌گرفتند، سلسله مراتب و نسبت میان فضای عمومی و خصوصی را به هم زدند (پیشین: ۲۳۰). پیدایش عناصر نو و متعاقب آن ارتباط فضایی آن‌ها یعنی خیابان که نماد دوران نو در شهر تهران است، به عنوان محمل فعالیت‌های تجاری و اداری متعلق به این دوران است. از این رو، خیابان از مفهوم خیابان گردشگاهی فاصله می‌گیرد. در به جدول شماره ۳ می‌توان به راحتی دسترسی، نظام آمد و شد و رابطه ساکن و مسکون در شهر سنتی را در مقایسه با شهر مدرن در قالب تبلور کالبدی آن مشاهده نمود.

نهیضت تجدخواهی (مدرنیزاسیون) و غرب‌گرایی رضاخان یکی از وجوه بارز تحقق جهانی شدن است و باید آن را سرآغاز تحولات اساسی کشور از نظرگاه شهر و شهرنشینی دانست. مجموعه اقداماتی که از آن هنگام در جهت این برنامه‌ها صورت پذیرفته است در واقع تلاش‌هایی بوده‌اند برای پیوند دادن جامعه ایران به غرب و گسترش تشابهات و ارتباطات آن با جوامع غربی. مدرنیزاسیون جنبه‌های گوناگونی را در بر گرفت. یکی از اقدامات مهم، احداث راه‌ها و جاده‌ها بود که حمل و نقل کالا و جابه‌جایی مسافران را تسهیل نمود. چنان‌که تا پایان سال ۱۳۱۷ حدود

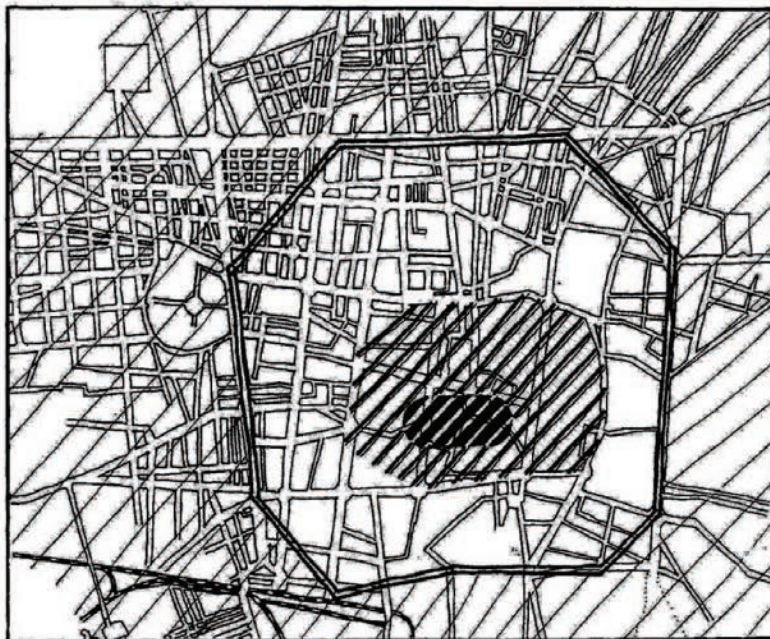
۲۲۴۰۰ کیلومتر جاده جدید احداث شد (باری یر، ۱۳۶۲: ۲۹۴). برای اولین بار در تاریخ شهرگرایی و شهرنشینی کشور، دولت بر آن شد، شهر را نه بر مبنای تفکر و تحول درونی بلکه بر اندیشه و تغییر بیرونی دگرگون سازد (حبیبی، ۱۳۷۵: ۱۶۱). مفهوم دارالخلافه با برداشته شدن باروهای دارالخلافه ناصری در سال ۱۳۱۱ از جلو صحنه به جایی در پشت صحنه اجتماعی رفت (حبیبی و اهری، ۱۳۸۶: ۴۳). به‌طوری‌که در سال‌های ۱۳۱۱ برج و باروی شهر را که در زمان ناصرالدین شاه ساخته شده بود خراب و خندق‌ها را پر کردند و در محل آن‌ها خیابان‌های تازه احداث گردید. با پر کردن خندق‌ها، محدودیت رشد شهر از بین رفت و تهران آزادانه به گسترش خود ادامه داد. چنان‌که تهران ۱۳۰۸ شمسی دارای وسعتی حدود ۲۴ کیلو متر مربع بود، در سال‌های ۱۳۱۲ و ۱۳۱۳ شمسی به ۴۶ کیلو متر مربع رسید (خلیلی عراقی، ۱۳۶۷: ۳). استقرار نهادهای نوین اجتماعی در دهه اول قرن ۱۴ زمینه‌ساز استقرار نیروهای شد که معتقد به سلطه نوآوری (مدرنیسم) بودند (حبیبی و اهری، ۱۳۸۶: ۴۰). با توجه به شکل شماره ۵ که در آن مراحل رشد و تحولات کالبدی شهر تهران در چهار مقطع زمانی به تصویر کشیده شده است، می‌توان مشاهده کرد که ساخت و سازهای شطرنجی در واری دیوارهای هشت ضلعی تهران زمان قاجار خبر از تحوّل جدید در عرصه شهرسازی داشت.

جدول شماره ۳: مقایسه سازمان ارتباطات در شهر سنتی و مدرن ایرانی - اسلامی

| شهر سنتی | تبلور کالبدی | شهر مدرن | تبلور کالبدی |
|--------------------|--|---|--|
| دسترسی | - سلسله مراتب فضایی - سلسله مراتب معابر - اتکا به سیستم بن بست - فقدان معبر در مقیاس شهری - عرض اندک معابر | - عدم دست‌بندی - آمدو شدها - عدم نظارت بر - آمدوشدها | - تضعیف سلسله مراتب فضایی - افزایش عرض معابر - سیستم باز شبکه خیابان‌ها - خیابان‌های طولانی |
| نظام آمدوشد | - حرکت - پیاده (سرعت کم) | - حرکت سواره (سرعت بالا) | - عرض زیاد معابر - شبکه باخیابان‌های مستقیم - یک‌نواختی بناها (حذف به اصطلاح تزیین) |
| رابطه ساکن و مسکون | - خوانایی | - نا خوانا بودن | - مقیاس غیر انسانی - تنوع زیاد عملکردهای شهری - عدم رابطه عملکرد و فرم (تمام فرمها از بازی با مکعب شکل می‌گیرند) - تضعیف سازمان فضایی (فقدان سلسله مراتب فضایی) |

مأخذ: اقوامی مقدم، ۱۳۸۷: ۲۰۲

دیه اصلی تهران
تهران تا سال ۱۲۵۶ ه.ش
تهران تا سال ۱۳۱۱ ه.ش
تهران تا سال ۱۳۳۰ ه.ش



شکل شماره ۵: تحولات و رشد کالبدی تهران از ابتدا تا سال ۱۳۳۰
مأخذ: سید محسن حبیبی، مجله محیط شناسی شماره ۱۵

معماری مدرن بین‌المللی مثل بافت شطرنجی و جدایی عملکردی آن بود (حبیبی و اهری، ۱۳۸۶: ۴۲). در این طرح بافت شطرنجی و جدایی عملکردهای شهری بنا به یک منطقه‌بندی خشک طراحی شد. مطابق این نظریه عملکردهای جدید در هسته کهن شهر جای گرفت و بر روی خرابه‌های ساختمانی قدیمی (مانند ارگ) ساختمان‌های دادگستری و دارایی به سبک جدید ساخته شد (زیاری و یوسفی، ۱۳۸۲: ۶).

تهران از یک سو تمرکز حکومتی و اداری یافت و از سوی دیگر در نظام سرمایه و اقتصاد جدید و در پهنه وابستگی که بی‌تردید نفت زیر ساخت آن بود، حالت پایتختی و مرکزیت به خود گرفت. از تأثیرات رضا شاه بر شهرسازی تهران آن چه بیش از هر چیز به یاد مانده است خیابان‌کشی‌های او به تقلید از شهرهای اروپایی است که بافت‌های ارگانیک شهری را برید و ابتدا و انتهای شهر به هم وصل کرد (طرح جامع تهران، ۱۳۷۷: ۴).

به دنبال ظهور تحولات بارز شهرسازی مدرنیستی و به عبارت دیگر شبه مدرنیستی و ناقص، تهران و محله‌های آن که استخوان‌بندی آن را تشکیل می‌دادند، از طرح سنتی و برگرفته از اعتقادات و باورهای خود (درون‌گرایی و محرمیت) رو به سبکی در شهرسازی و معماری آورد که الگوبرداری ناقصی از شهرسازی برون‌گرای اروپایی است. آن چه که در جدول شماره ۴ ارائه شده است در واقع بررسی مقایسه‌ای از عوامل خیابان، کاربری‌ها، ابعاد اجتماعی، بدنه و واحدهای فضایی در تهران درون‌گرا (شهرسازی سنتی و متکی بر الگوی ایرانی-اسلامی) با تهران برون‌گرا (متکی بر شهرسازی مدرنیستی) است.

سازمان‌دهی مجدد بر اساس نیازهای روز، این بار نه از کانال تصمیم فردی همه ساکنان شهر، بلکه توسط نخبگان و در رأس آن‌ها خواسته‌های دولت پهلوی اول که خواهان پایتختی در شأن و مقام پایتخت‌های اروپایی است، شکل گرفت (اقوامی مقدم، ۱۳۷۸: ۲۳۳). در دوره پهلوی اول، اولین اقدام مدرنیستی تصویب طرح «قانون بلدیة» تحت عنوان نقشه خیابان‌ها در سال ۱۳۰۹ شمسی صورت می‌گیرد و بعد از آن، تصویب «قانون تعریض و توسعه معابر و خیابان‌ها» در سال ۱۳۱۲ ه.ش جوابی روشن به شهرسازی مدرنیستی و به طور مشخص «شهرسازی هوسمانی» است (زیاری و یوسفی، ۱۳۸۲: ۷).

سرتیب کریم آقاخان بوذرجمهری شهردار وقت تهران، ۱۲ دروازه شهر به همراه بناهای بی‌شمار دیگر را در سال ۱۳۰۹ به منظور «نوسازی شهر» تخریب کرد و به جای آن‌ها بلوارهای عریض ساخته شد. هم‌چنین، خیابان‌های تازه‌ای احداث شد که از میان بخش‌هایی از بافت قدیمی شهر که «کثیف و بد منظر و پر ازدحام» تلقی می‌شد عبور می‌کرد (مدنی‌پور، ۱۳۸۱: ۶۰). محله‌های قدیمی رو به ویرانی رفت و شدیدترین لطمه به عودلاجان وارد آمد. از یک سو، خیابان‌کشی‌های جدید محله عودلاجان را تکه پاره کرد و از سوی دیگر نیازهای فضایی بازار مجاور آن به تخلیه و تخریب آن کمک نمود (دهاقانی، ۱۳۸۵: ۳۷۹).

طرح سال ۱۳۱۶ با تبعیت از الگوی «شهر صنعتی» مطرح شد. در این دوران، مکان دانشگاه، بیمارستان، ایستگاه راه آهن و کارخانه را در خارج بافت موجود پیشنهاد کردند و آن‌ها را در فاصله‌هایی منطبق با موارد مطروحه در الگوی شهر صنعتی قرار دادند. طرح ۱۳۱۶ به نحو بارزی متأثر از جنبش شهرسازی و

جدول شماره ۴: مقایسهٔ وجوه «برای خود بودن» و در «در خود بودن» تهران

| عوامل | تهران درون‌گرا | تهران برون‌گرا |
|---------------|--|---|
| خیابان | - سلسله مراتب معابر و پیروی آن از سلسله مراتب فضای شهر - طراحی متکی بر بن بست | - استقلال سلسله مراتب معابر از سلسله مراتب فضایی شهر - طراحی متکی به تسهیل دسترسی |
| کاربری‌ها | - تمایز بالنسبه کامل کاربری‌ها با یکدیگر | - اختلاط نسبی کاربری‌ها و ترک موقعیت تاریخی و جغرافیایی. (نظیر بازار و گسترش امور تجاری به خیابان‌ها) |
| اجتماعی | - فقدان شمال و جنوب اجتماعی و شهر و بالطبع تظاهر کالبدی آن - نبود حاشیه‌نشینی | - شمال و جنوب اجتماعی و تظاهر کالبدی آن، که در همه وجود طراحی و کالبدی هویدا است - پیدایش حاشیه شهر با سازمان کالبدی خاص |
| بدنه | - بدنه‌های بسیار ساده که عمدتاً از دیوارهای یکنواخت تشکیل می‌شد | - با گسترش فعالیت‌های تجاری و اداری به خیابان‌ها و قرار گرفتن واحد مسکونی در بر خیابان و یا کوچه...بدنه‌سازی مورد توجه قرار گرفت. |
| واحدهای فضایی | - شهر درون‌گر، متکی به سازمان محله‌ای بود که هر یک از محله‌ها هستی مستقل داشتند. | - فقدان سازمان محله‌ای و عدم تعریف فضایی برای شهر |

مأخذ: اقوامی مقدم، ۱۳۷۸: ۲۶۹

رشد به صورت توسعهٔ آزاد شهر، اراضی پیرامونی و رشد روستاهای حومه و شهرک‌های اقماری بروز کرد که به تدریج در اثر موج‌های جدید گسترش و توسعه در بافت شهری ادغام شدند (مدنی پور، ۱۳۸۱: ۶۵). بعد از آن با ایجاد زمینه‌های گوناگون اشتغال و فعالیت در تهران، تثبیت موقعیت آن از نظر اداری، فرهنگی و صنعتی که از زمان رضاخان شروع شده بود، دنبال شد و جذب جمعیت مهاجر، ساکنان طبقهٔ متوسط و مرفه شهر را به سکونت در نواحی حاشیه‌ای شهر قدیم و محله‌های جدید بویژه در شمال شهر ترغیب نمود (عربی، ۱۳۸۷: ۱۱۷).

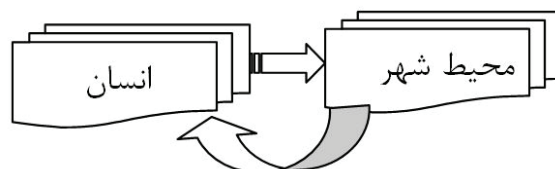
با توسعهٔ شهر در دهه‌های ۳۰ و ۴۰، جدایی‌گزینی بخش‌های تجاری و مسکونی و استقرار مراکز کار و فعالیت تشدید شد و مراکز صنعتی نه تنها در جنوب شهر بلکه در طول جاده‌های غربی منتهی به شهر استقرار یافتند. بدین ترتیب غیر از بازار، خیابان‌های اطراف نیز مهم‌ترین مرکز تجارت به شمار می‌رفتند. در این محدوده‌ها مغازه‌های کوچک و بزرگ شرکت‌های تجاری، بانک‌ها، هتل‌ها، شرکت‌های بیمه و ... ساخته شدند. طبقات زیرین ساختمان‌ها به اشتغال فروشگاه‌ها در آمد و طبقات بالاتر، دفاتر شرکت‌ها و یا آپارتمان‌های مسکونی قرار داشتند (حمیدی، ۱۳۷۸: ۶۰-۵۹).

«اصلاح قانون توسعهٔ معابر و زمین‌های گود جنوب تهران» مصوب ۱۳۴۲ نشان می‌دهد که مناطق فرسوده شهری تا چه اندازه برای نوپردازی شتابان مشکل آفرین شده‌اند؛ مناطقی که در زمان خیابان‌های احداثی سال‌های ۱۳۱۰ و سال‌های بعد از آن گرفتار آمده و به خود رها شده بودند. تشکیل وزارت خانه‌ای جدید برای پرداختن به شهر در دستور کار قرار گرفت. «قانون تشکیل وزارت آبادانی و مسکن» در سال ۱۳۴۳ پاسخی روشن به نوپردازی شهری و رشد شتابان شهرنشینی است و شهرگرایی

در ایران فرم پدید آمده در فرایند مدرنیسم با محتوای فرهنگی و ارزش‌های مردم بیگانه و ناسازگار است. از آن جایی که این تغییر و تحول در فرم به طور ناگهانی و یک‌باره صورت پذیرفت، اشکال بی‌شکلی را پدید آورد. چنان‌که تضاد بناها در تهران که نشان از تقابل و یا آمیختگی سنت و مدرنیته است، منجر به اغتشاش بصری و بی‌هویتی در محله‌های شهر سنتی گردید. مدرنیسم را اگر ابزار نئولیبرالیسم جهانی در نظر بگیریم آن گاه می‌توان به تحلیل بسیاری از تغییرات صورت‌بندی شده در تهران پرداخت. از ایجاد خیابان تا تغییر الگوی مصرف ساکنان و تمایل به فرهنگ و زندگی غربی نشان از هدف‌مند بودن مدرنیسم در رسیدن به اهداف نئولیبرالیسم است.

در صورتی که انسان و کالبد شهر به عنوان دو عنصر مرتبط با هم در نظر گرفته شود، انسان، شکل‌دهندهٔ محیط شهر و در مرحله بعد محیط، شهر شکل‌دهندهٔ رفتار و سبک زندگی انسان خواهد بود (شکل شماره ۶). از این منظر، یکی از نخستین اقدامات اولیه در قالب مدرنیسم، تغییرات فضاهای فرهنگی در شهر تهران بود.

شکل شماره ۶: روابط انسان و محیط کالبدی شهر



توسعهٔ فضایی - کالبدی شهر تهران بعد از پهلوی دوم

توسعهٔ تهران در دوران پس از جنگ جهانی دوم بسیار سریع و خارج از کنترل صورت گرفت. در ۴۵ سال بعد از سال ۱۳۲۰، جمعیت تهران ۸/۶ برابر و مساحت آن ۱۲ برابر رشد کرد. این

و بزرگ راه‌های طلایی به صورت کلان شهر در مقیاس جهانی بدل شد.

در این دوره، توسعه پیوسته و ناپیوسته شهر در هم آمیخته و حوزه آن به شهرهای بزرگ اطراف، مانند کرج و ورامین کشیده شد. در سال ۱۳۴۵ ه.ش بود که ضوابط مختصری برای شهرسازی وضع شد، تا گسترش هرج و مرج طلبانه پایتخت محدود شود. در این سال، محدوده ۲۵ ساله شهر تهران تا سال ۱۳۷۰ مشخص شد (بهزادفر، ۱۳۸۶: ۱۰۳). در سال‌های دهه ۵۰ گسترش وسیع شهر در غرب و در حواشی جاده کرج اتفاق افتاد. شهرک‌های متعددی از جمله شهرک اکباتان، آپادانا، فرهنگیان و... در غرب تهران ساخته شدند. پیوند تهران با شمیران که در دوره قبل صورت گرفته بود، در این دوره از محور خیابان ولی عصر نیز تقویت شد. هم‌چنین در جنوب شهر نیز تهران به شهر ری رسید. در مرحله بعد، رشد کالبدی شهر عمدتاً در شمال غرب و شمال شرق روی داد؛ بطوری که تغییر اساسی در شکل گسترش شهر به وجود آمد و رشد پیوسته و افقی شهر با رشدی گسسته و عمودی همراه شد (عربی، ۱۳۸۷: ۱۲۳).

با وقوع انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ و تحولات گسترده سیاسی-اجتماعی ناشی از آن، گسستی میان روند معماری پیش و پس از انقلاب حادث شد. در واقع ظهور دیدگاه‌های جدید که از آرمان‌های فرهنگ ملی و دینی نشأت گرفته بودند، از نخستین عواملی بود که معماری و شهرسازی را متحول کردند. شهر تهران تحت تأثیر تغییرات بنیادی اقتصادی و اجتماعی کشور زیر فشار آثار جنگ تحمیلی، با گرایش نوینی در جهات و اشکال توسعه رو به رو گردید. علاوه بر این، با اشباع و اشغال گسترده طبیعی شهر، در واقع روند توسعه پیکره تهران به بن بست رسید و ناگزیر گرایش به توسعه ناپیوسته شتاب گرفت (بهزاد فر، ۱۳۸۶: ۱۰۳). با توجه به جدول شماره ۵، شهر تهران چهار نوع رشد مرکزی، شعاعی، پهنه‌ای و شبکه‌ای را در دوران رشد کالبدی خود تجربه کرده است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی تا هم‌اکنون رشد شبکه‌ای به عنوان الگوی رشد مسلط مطرح بوده است.

از بالا و تصویب «قانون تملک آپارتمان» در سال ۱۳۴۴ نشان از تحولاتی قطعی در شیوه‌های زیست دارد (حبیبی، ۱۳۸۵: ۴۱).

در سال ۱۳۴۳ تهیه طرح جامع تهران به طور مشترک به شرکت عزیز فرمانفرمایان ایران و ویکتور گروئن ایالات متحده تحت هدایت فریدون جعفری، از برنامه‌ریزان شهری ایرانی واگذار شد. در سال ۱۳۴۷ این طرح مورد تصویب دولت قرار گرفت (مدنی پور، ۱۳۸۱: ۳۳) با تشکیل وزارت آبادانی و مسکن و در دستور کار قرار گرفتن طرح‌های جامع شهری، شهر نوپرداز چهره نمود. این شهر الگوی خود را از شهرهای غربی گرفت، و به قامت جامعه و شهر، جامه‌های نوپرداخته دوخته شد (حبیبی، ۱۳۸۵: ۴۱).

در اواخر دهه ۴۰ که بیش‌تر نگاه عاطفی و حسرت‌گرا به معماری گذشته ایران حاکم بود، تفکر لویی کان (انتقاد از مدرنیسم) در نزد معماران ایرانی کم‌کم در روند شکل‌گیری معماران ایران مؤثر واقع شد (صارمی، ۱۳۷۷: ۱۳). این الگو در عدم انطباق با کالبد موجود شهر نه خود بلکه کالبد را تغییر داد؛ همان‌گونه که عملکردهای شهری با توجه به دستورالعمل‌های طرح، بنیان گذاشته شد، نه بر پایه شرایط زیست اقلیمی آن (حبیبی، ۱۳۸۵: ۴۱). بر این اساس، نظریه مربوط به طرح جامع تهران به صورت خطی (طولی) از پیشنهاد ثریاماتا برای شهر مادرید در سال ۱۲۶۱ ش. ۱۸۸۲ م. و پروژه تونی گارنیه برای شهر صنعتی و بافت مجدد لندن پس از جنگ جهانی دوم، نشأت و ریشه یافته بود. پس از طرح جامع تهران، لرد لولین دیویس طراح شهرهای واشینگتن و میلتن کنیس در بریتانیا با الگوی شبکه خیابان‌ها، یک طرح مرکزیت خطی-اداری برای تهران طراحی و پیشنهاد کرد (مدنی پور، ۱۳۸۱: ۳۴۰).

در طرح جامع تهران، از مفاهیم طراحی شهرک‌های جدید بریتانیایی، بدون توجه به اهداف اجتماعی، استفاده شده بود (مدنی پور، ۱۳۸۱: ۳۴۱). در طول دو دهه، همراه با تغییر نظام سرمایه‌داری در ایران و تغییر بنیان‌های تولید و سکونت در زمان پهلوی دوم، ابعاد توسعه کالبد تهران، از مرزهای شهری گذشت و ساختار سنتی آن به کلی تحول یافت. در این دوره، شهر تهران با ادغام دو شهر تجریش و ری و صدها روستا در پیکره کالبدی خود

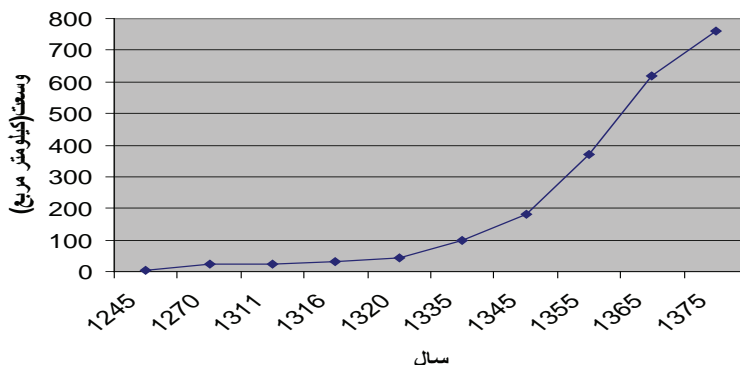
جدول شماره ۵: اشکال عمده توسعه کالبدی - فضایی تهران

| ردیف | نوع توسعه | دوره زمانی | ویژگی‌های اصلی |
|------|---------------|-----------------|--------------------------------|
| ۱ | توسعه مرکزی | از آغاز تا ۱۳۲۰ | توسعه پوسته پوسته و متحدالمرکز |
| ۲ | توسعه شعاعی | ۱۳۲۰ تا ۱۳۴۰ | توسعه در مسیر محورهای ارتباطی |
| ۳ | توسعه پهنه‌ای | ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۷ | توسعه میان محورهای اصلی و فرعی |
| ۴ | توسعه شبکه‌ای | ۱۳۵۸ تاکنون | توسعه در کانون‌های پیرامونی |

مأخذ: مهدیزاده، ۱۳۸۱

توسعه شهری تهران در سال‌های پس از انقلاب تشدید روند توسعه عمودی شهر، همزمان با توسعه افقی و ناپیوسته است (عربی ۱۳۸۷: ۱۲۳). احداث برج‌های مسکونی زیاد در شهر تهران که سبک معماری آن‌ها تداومی از دوره‌های پایانی سبک بین‌المللی

غرب است. از نمونه‌های شاخص معماری بعد از انقلاب است (آزاد، ۱۳۸۵: ۳۷). بر اساس نمودار شماره ۱ می‌توان گفت الگوی بی‌رویه رشد کالبدی شهر تهران در سال‌های پس از انقلاب روندی سریع تر داشته است.

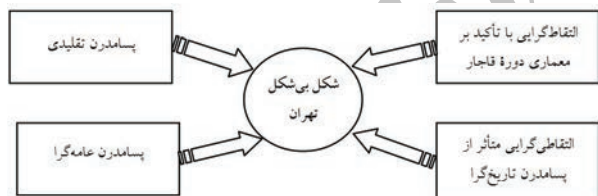


نمودار شماره ۱: تغییرات وسعت تهران در سال‌های مختلف

راه‌اندازی و احداث شبکه BRT اتوبوس‌های تندرو، ۱۶- ایجاد و توسعه شهرک‌های صنعتی در پیرامون تهران (عربی، ۱۳۸۷: ۱۲۴).

معماری و شهرسازی پس از انقلاب به گونه‌ای التقاطی بود که حاصل به وجود آمدن طیف متنوعی از این نوع معماری است. چنان‌که در شکل شماره ۷ نشان داده شده است می‌توان گفت معماری در تهران پس از انقلاب به هزار توی بی‌شکل تبدیل گردید. فقدان الگوی معماری بومی و ارزشی، منجر به ظهور بی‌هویتی کالبدی شهر گردید.

در نتیجه در غیاب یک طرح جامع کارا و مؤثر، با اتخاذ سیاست فروش تراکم، موج جدید بلند مرتبه‌سازی و «برج‌سازی» و «برج‌نشینی» به پدیده‌ای فراگیر در تهران تبدیل شد. به طوری که در طول مدت یک دهه اولاً سیمای عمومی تهران تغییرات اساسی پیدا کرد و از سوی دیگر عوارض ناشی از توسعه بی‌برنامه و بی‌رویه عمودی در تهران به صورت مشکلات زیست محیطی، تشدید نابرابری اجتماعی و تشدید نابسامانی در اقتصاد زمین و مسکن، به مسائل پیشین اضافه شد. به همین دلیل از اوایل دهه ۱۳۸۰ موضوع تراکم ساختمانی و فروش تراکم در تهران تبدیل به موضوع مهم سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و برنامه‌ریزی در سطح ملی گردید.



شکل شماره ۷: انواع معماری التقاطی در شهر تهران (دهباشی، ۱۳۸۵: ۶)

با توجه به نقشه شماره ۱ تهران رشد ۶ مرحله‌ای را گذرانده است. به طور کلی رشد و شهرنشینی در تهران به شش دوره به قرار زیر تقسیم شده است:

اولین دوره از قرن هفتم هجری که طی آن تهران از یک دیه کوچک تبدیل به شهری در محل برخورد محورهای منتهی به شهرهای مهم مشهد و قزوین، می‌شد. دوره دوم تحولات شهری از زمان آقا محمد خان قاجار شروع شد. در این سال‌ها تهران به عنوان پایتخت انتخاب شد و از لحاظ اداری و سیاسی نقش مهمی به عهده گرفت.

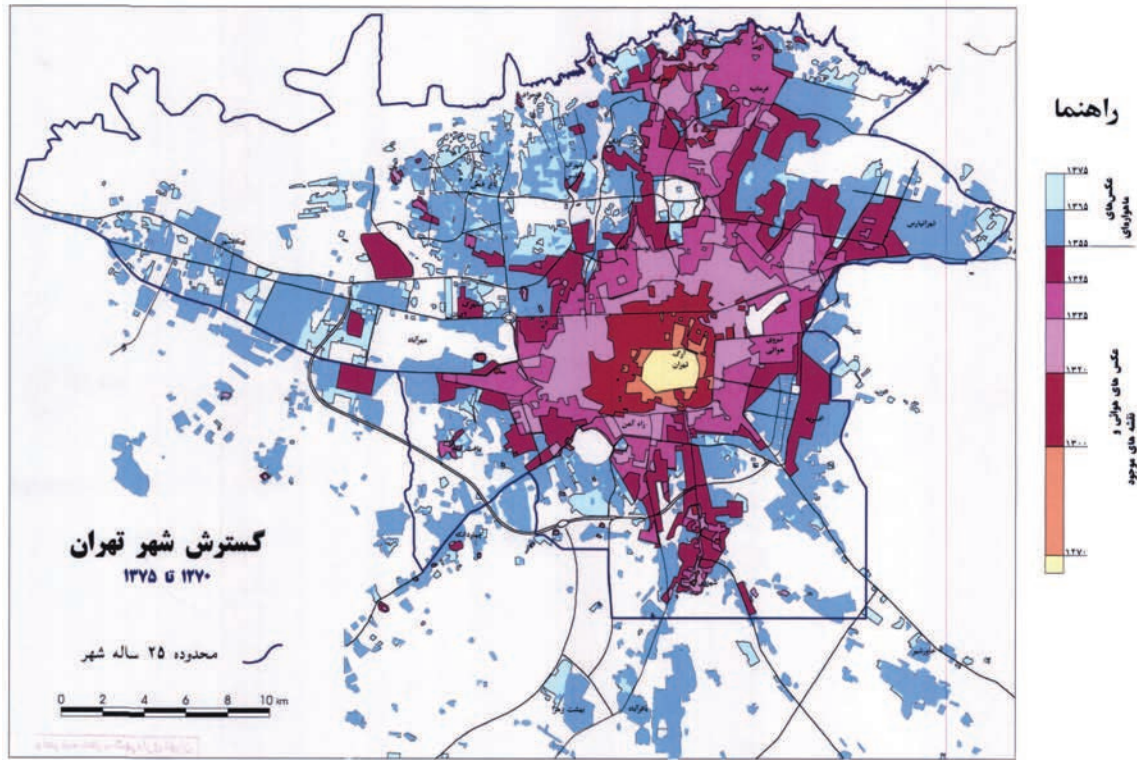
سومین دوره تحولات شهری از دوره ناصرالدین شاه قاجار آغاز گردید. در این زمان، تهران را دارالخلافه ناصری نامیدند. دوره

از مهم‌ترین تحولات کالبدی و کارکردی که پس از انقلاب نقش مؤثری در تغییر ساختار و سیمای فضایی تهران ایفا کرده است، می‌توان موارد زیر را نام برد:

- ۱- تخریب محله جمشید (شهر نو) و ایجاد مجموعه فرهنگی رازی،
- ۲- انتقال کشتارگاه قدیمی تهران و تبدیل آن به فرهنگ سرای بهمن،
- ۳- تکمیل شبکه بزرگراهی و ایجاد پل‌های متعدد سواره و پیاده در سطح شهر،
- ۴- ایجاد و توسعه بوستان‌های شهری و پارک‌های جنگلی در اطراف تهران،
- ۵- رواج بناهای بلند مرتبه و برج‌سازی در نواحی مختلف شهر،
- ۶- اجرای طرح نوسازی محله و خیابان نواب،
- ۷- اقدام برای ایجاد مصالحی بزرگ تهران در اراضی عباس آباد،
- ۸- استقرار آرامگاه امام خمینی در اراضی جنوب تهران،
- ۹- ایجاد و توسعه میدان‌های تره‌بار و فروشگاه‌های زنجیره‌ای،
- ۱۰- ایجاد فرهنگ‌سراها و مجتمع‌های ورزشی و تفریحی در سطح شهر،
- ۱۱- ایجاد خطوط اتوبوس برقی در شرق تهران،
- ۱۲- احداث برج مخابراتی و یادمانی میلاد (۴۴۰)،
- ۱۳- توسعه و تکمیل پایانه‌های برون شهری (جنوب، شرق و غرب شهر)،
- ۱۴- احداث شبکه مترو و راه‌اندازی اولین خطوط آن،
- ۱۵-

بی‌رویه شهر تهران و ترویج کشاورزی خود اتکا و در نتیجه تشویق مردم به بازگشت به روستاها در پیش گرفت. اما به دلایلی مانند عدم هماهنگی در سازمان‌های دولتی و تعدد مراجع تصمیم‌گیری و مشخص نبودن دقیق سیاست‌های صنعتی و کشاورزی و همچنین روشن نشدن مسأله مالکیت زمین‌های کشاورزی، این روش‌ها به طور کامل عملی نگردید (عراقی، ۱۳۶۶: ۱۸۰).

چهارم فواصل زمانی ۱۳۲۰-۱۳۰۰ را در بر می‌گیرد. در این دوره، دولت به تدریج به ایجاد صنایع مصرفی اولیه پرداخت و هم‌زمان با آن به تقویت دستگاه‌های دولتی توجه می‌کند. در دوره پنجم رشد جمعیت تهران و مشکلات ناشی از آن هم‌چنان ادامه یافت و سیاست‌هایی ناموفق در جهت تحدید گسترش تهران اعمال گردید. از سال ۱۳۵۷ به بعد و شروع ششمین دوره تحولات شهرنشینی در تهران، دولت سیاست‌های جدیدی به منظور جلوگیری از گسترش



نقشه شماره ۱: رشد و توسعه کالبدی، فضایی شهر تهران
 مأخذ: معاونت شهرسازی و معماری نظام مدیریت و کنترل تهران بزرگ

می‌شود، شکل گرفت. به دنبال بروز تغییرات محتوایی و کالبدی شهرها سرازیر شدن جمعیت‌های عظیم به شهرها بدون هیچ برنامه‌ای، توسعه کالبدی و فضایی شهرهای ایرانی به ویژه شهر تهران را به وجود آورد. در واقع، مدرنیسم به عنوان الگوی جدید شهرسازی ابتدا منجر به تغییر شکل شهر و سپس تغییر در علایق شهروندان گردید.

می‌توان گفت از آنجایی که در ایران به طور عام و در شهر تهران به طور خاص، سردمدار مدرنیسم حکومت مرکزی و آغازگر آن رضا خان بود و مردم محصول مدرنیسم را انتخاب نکرده‌اند؛ لذا علی‌رغم تلاش‌های حکومت، مقاومت‌هایی صورت گرفت که منجر به تقابل سنت و مدرنیته در شهر تهران و بسیاری از شهرهای ایران شده است.

یافته‌ها حکایت از آن دارد که انتخاب یک فرایند فکری در جامعه روند تحولات یکپارچه را صورت‌بندی نمود، در حالی که تحمیل نگرش و الگوی نظری خاص در جامعه تحولاتی لکه‌ای را شکل می‌دهد.

با توجه به بررسی‌های صورت گرفته، شهر تهران در گذر تاریخی خود از دوره قاجار به آرامی و در دوره پهلوی با شدت، سبکی از معماری را تجربه نمود که نه با فرهنگ بومی بلکه با فرهنگ وارداتی سازگار بود.

نتیجه‌گیری

شهرهای ایران دارای ویژگی‌های تکامل یافته در طی قرن‌های متمادی بوده‌اند. آن‌چه که این شهرها به عنوان ویژگی‌های کالبدی در خود داشتند، دارای ارزش‌های معماری و برنامه‌ریزی شهری حساب شده‌ای بودند که طبق نیازهای روزمره ساکنان شهرها و در پاسخ به دگرگونی و تکامل جامعه شهرنشین شکل گرفته بود. بافت‌های قدیمی به همراه عناصر و فضاهای درون شهری علاوه بر شکل فیزیکی و خصوصیات کالبدی، ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی و تاریخی ویژه‌ای را در خود نهفته داشتند. با ورود مدرنیسم، در گام نخست، پروژه‌های عظیم عمرانی، کارگاه‌ها، کارخانه‌ها و ابنیه عمومی، که از آن‌ها به عنوان اهرام و یادمان‌های عصر مدرن یاد

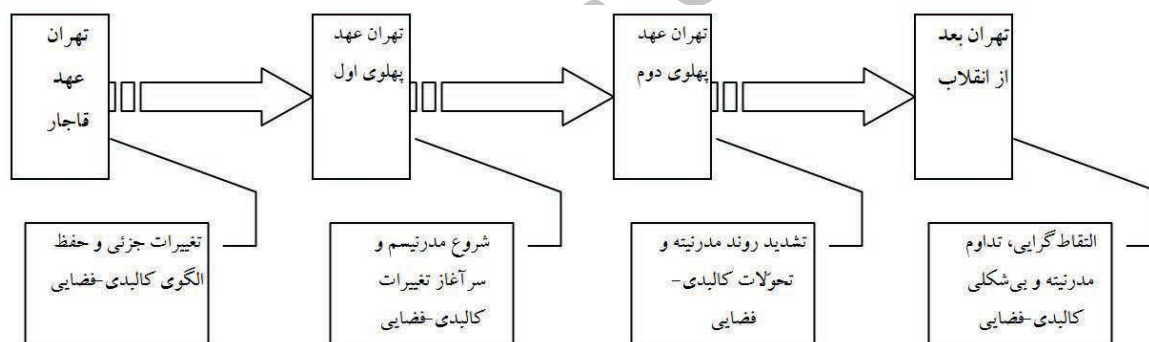
با توجه به آن چه در شکل شماره ۸ نشان داده شده است می توان نتیجه گرفت که در دوره ناصرالدین شاه (یکی از دوره های نوگرا در عصر قاجار) علی رغم آن چه شهر و عناصر مرتبط، تحت تأثیر عواملی چون ورود کالاهای ماشینی، گسترش تجارت خارجی و غیره قرار گرفت، اما این دگرگونی ها هرگز سبب از بین رفتن سازمان کالبدی- فضایی سنتی شهر و اشکال توسعه آن نشد. شهر تهران در ادامه مراحل توسعه کالبدی- فضایی خود در زمان رضاخان از عوامل متعدد سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی تأثیر قابل توجهی پذیرفت؛ به طوری که تقاضا برای نوگرایی که در نتیجه رکود اقتصادی بسیار تشدید شده بود، با ورود مدرنیسم و دخالت مستقیم و مؤثر دولت در امر شهرسازی تغییرات آشکاری در نظام فضایی- کالبدی تهران پدید آمد. متعاقب آن، گرایش شدید به مدرنیسم و شکل گیری گروه های اجتماعی جدید، اولین تعامل شهر با پیرامون در بعد از فروپاشی دیوارها بود و محدوده واقع در پیرامون شمالی شهر به سرعت در معرض توسعه و گسترش قرار گرفت.

تهران پس از عبور از دوره شهرسازی رضاخانی بار دیگر دچار تحولات جدی در سیمای سیاسی، اقتصادی و کالبدی گردید. عواملی چون جنگ جهانی دوم و ورود متفقین به ایران، قحطی و تورم باعث مهاجرت دهقانان بدهکار و طبقات فقیر جامعه روستایی به تهران گردید. در دهه ۱۳۴۰ یکی از مهم ترین حوادث فرهنگی،

اجتماعی و اقتصادی کشور یعنی اصلاحات ارضی به وقوع پیوست و تأثیرات شگرفی در فضای پیرامونی شهرها و بویژه تهران به وجود آمد.

در سال های اول انقلاب اسلامی، تمامی ضوابط و آیین نامه های نظارت به توسعه تهران عملاً بی اعتبار شد و شهر با رشد بی رویه در تمامی جهات گسترش یافت و در دهه ۶۰ با تغییر سیاست های مدیریت شهری گرایش به توسعه عمودی شدت یافت. اگر در عصر پهلوی ایرانیان به دستاوردهای تمدن غرب به عنوان الگو نگریستند و تقلید نسبتاً مطلقاً از طرح های غربی اصلی ترین ویژگی معماری و شهرسازی متجدد ایرانی بود، در سال های پس از انقلاب معماران ایرانی در تلاش برای کسب هویت فرهنگی به احیاگرایی و التقاط گرایی روی آوردند.

نتیجه این که تا زمان رضاخان که در توسعه فضایی- کالبدی شهر تهران عناصر شهری در ارتباط با همدیگر و بر اساس نیازها و مسائل اجتماعی و فرهنگی و به صورت شهری ایرانی- اسلامی شکل گرفته بود، به یکباره با ورود مدرنیسم و دخالت مستقیم دولت مردان در امر شکل گیری، نظم فضایی شهر تهران به هم ریخت و توسعه شهر از این به بعد نه به صورت ارگانیک بلکه با هدف پاسخ گویی به نیازهای جهان مدرن و تأمین اهداف آنها شکل گرفت.



شکل شماره ۸: روند تحولات کالبدی-فضایی تهران

فهرست منابع و مراجع

۱. آزاد، میترا (۱۳۸۵)، بحران هویت و عدم بهره‌گیری از الگوهای کهن در معماری معاصر، مجله آبادی، شماره ۲، تهران.
۲. مرتضی، هشام (۱۳۸۹)، معماری و شهرسازی سنتی در کشورهای اسلامی، ترجمه هانیه اخوت، نینا الماسی‌فر و محمدرضا بمانیان، انتشارات هله، چاپ اول، تهران.
۳. اقوامی مقدم، عارف (۱۳۷۷-۱۳۸۸)، شهر، شهرسازی و مدرنیسم در ایران (۱۳۲۰-۱۳۹۹ ه.ش)، پایان‌نامه کارشناسی دانشگاه تهران.
۴. اهلرس، اکارت (۱۳۸۰)، ایران (شهر- عشایر- روستا)، ترجمه عباس سعیدی، منشی، تهران.
۵. باری یر، جولیان (۱۳۶۲)، اقتصاد ایران، ترجمه و نشر مرکز تحقیقات حسابداری و حسابرسی، تهران.
۶. بهزادفر، مصطفی (۱۳۸۶)، هویت شهر نگاهی به هویت شهر تهران، نشر تهران، تهران.
۷. پوراحمد، احمد و داریوش یزدانی (۱۳۸۴)، تأثیر مدرنیسم بر توسعه کالبدی شهرهای اسلامی، نمونه موردی: شهر تبریز، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۶۰.
۸. تکمیل همایون، ناصر (۱۳۸۲)، تهران- از ایران چه می‌دانم، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران.
۹. تکمیل همایون، ناصر (۱۳۷۹)، تاریخ اجتماعی و فرهنگی تهران (دارالخلافة ناصری)، جلد دوم، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران.
۱۰. حبیبی، سید محسن (۱۳۶۸)، دولت و توسعه تهران ۱۳۲۰-۱۳۰۴، مجله محیط‌شناسی، شماره ۱۵، ویژه‌نامه تهران.
۱۱. حبیبی، محسن (۱۳۸۵)، شرح جریان‌های فکری معماری و شهرسازی در ایران معاصر با تأکید بر دوره زمانی ۱۳۸۳-۱۳۵۷، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران.
۱۲. حبیبی، محسن (۱۳۸۴)، از شار تا شهر، دانشگاه تهران، تهران.
۱۳. حبیبی، محسن و مرتضی هادی جابری (۱۳۸۶)، در جستجوی اصول حاکم بر نوپردازی شهری، مجله صفا، دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۴۱.
۱۴. حبیبی، محسن و زهرا اهری، معماری و شهرسازی ایران در هزار ۱۳۱۰-۱۳۲۰ ش.ه، اولین پژوهش نوآوری و دومین پژوهش نوآوری الگوی تهران، مجله صفا، دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۴۲.
۱۵. حسین اف، ف.م و همکاران، (۱۳۸۲)، برنامه‌ریزی و ساخت شهرهای کوچک، ترجمه غلامرضا خسروی، نشر فروزش، تبریز.
۱۶. حمیدی، ملیحه (۱۳۷۶)، استخوان‌بندی شهر تهران، معاونت فنی و عمرانی، سازمان مشاور فنی و مهندسی شهر، تهران.
۱۷. جابری مقدم، مرتضی هادی (۱۳۸۴)، شهر و مدرنیته، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.
۱۸. جابری مقدم، مرتضی هادی (۱۳۸۲)، شهر و مدرنیته تولید و باز تولید، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
۱۹. داود پور، زهره (۱۳۸۴)، کلانشهر تهران و سکونتگاه‌های خودروی، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری وزارت مسکن و شهرسازی، تهران.
۲۰. دهباشی، مزین (۱۳۸۵)، بررسی فرم و مفهوم آن در معماری معاصر ایران ۸۵-۱۳۶۰، مجله آبادی، شماره ۵۲، تهران.
۲۱. رجبی، پرویز (۱۳۶۵)، معماری ایران در عصر پهلوی، دانشگاه ملی ایران، تهران.
۲۲. رهنمایی، محمدتقی و پروانه شاه حسینی، (۱۳۸۴)، فرایند برنامه‌ریزی شهری ایران، سمت، تهران.
۲۳. زنگنه، سعید (۱۳۸۷)، بررسی گسترش افقی شهر مشهد در چند دهه اخیر و تأثیر آن بر منابع آب و خاک، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران.
۲۴. زبیری، کرامت و علی یوسفی (۱۳۸۲)، توسعه کالبدی تهران در فرایند مدرنیسم، پست مدرنیسم و جهانی شدن، مجله مدرس، شماره ۷.
۲۵. سعیدنیا، احمد (۱۳۷۰)، تهران پایتخت قاجاریان، پهلوی و جمهوری اسلامی، محمد یوسف کیانی، پایتخت‌های ایران، سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران.
۲۶. سلطان زاده، حسین (۱۳۶۵)، مقدمه‌ای بر تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران، امیر کبیر، تهران.
۲۷. سلطان زاده، حسین (۱۳۷۳)، نماهایی از ساختمانهای تهران از معماری دوران انتقال، شرکت توسعه فضاهای فرهنگی، تهران.
۲۸. صارمی، علی اکبر (۱۳۷۷)، جایگاه معماری ایران در جهان امروز، مجله آبادی، شماره ۲۷، تهران.
۲۹. عربی، مهدی (۱۳۸۷)، سازمان‌یابی کالبدی- فضایی کلان شهر تهران با توجه به حریم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت معلم.
۳۰. قبادیان، وحید (۱۳۸۵)، معماری در دارالخلافة ناصری، سنت و تجدد در معماری معاصر تهران، نشر پشتون، چاپ سوم، تهران.
۳۱. محمودیان، علی‌اکبر (۱۳۸۴)، نگاهی به تهران از آغاز تاکنون، موسسه جغرافیایی و کارتوگرافی و گیتاشناسی، تهران.
۳۲. مدنی پور، علی (۱۳۸۱)، تهران ظهور یک کلانشهر، شرکت پردازش، تهران.
۳۳. مدنی پور، علی (۱۳۸۴)، طراحی فضای شهری، شرکت پردازش و برنامه ریزی شهر، تهران.
۳۴. مشهدیزاده دهقانی، ناصر (۱۳۸۵)، تحلیلی از ویژگیهای برنامه ریزی شهری در ایران، علم و صنعت، تهران.
۳۵. معاونت شهرسازی و معماری شهرداری تهران (۱۳۷۷)، چکیده طرح جامع تهران.
۳۶. مهدیزاده، جواد (۱۳۸۱)، دوره نوسازی و پیدایش مادر شهر تهران، مجله جستارهای شهرسازی، شماره ۳.
۳۷. نظریان، اصغر (۱۳۸۵)، جغرافیای شهری ایران، پیام نور، تهران.
۳۸. نقی زاده، محمد (۱۳۷۸)، رابطه هویت «سنت معماری ایران» با «مدرنیسم و نوگرایی»، مجله هنرهای زیبا، شماره ۷، دانشگاه تهران.
۳۹. یار احمدی، امیر (۱۳۷۸)، بسوی شهرسازی انسان‌گرا، پردازش، تهران.
40. Ferdowsian, Fereshteh (2002), Modern and traditional urban design concepts and principles in iran, sima-e-danesh
41. Toulmin, cosmopois, the hidden agenda of modernity of university of Chicago, 1990.